



انسان هر چقدر بد باشد می تواند تغییر کند/سلام بر حسین(ع) سرمایه است

حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی جاودان در حسینیه آیت الله حق شناس با بیان اینکه بزرگان فرمودند که اگر می توانید برای صفات بدتان، اینجا یک کاری بکنید. اینجا عالم، عالم گذر است، گفت: آدمی که در حال تغییر و تحول است می تواند به خوبی تغییر کند هر چقدر هم که بد است، می تواند تغییر کند.

حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی جاودان در حسینیه آیت الله حق شناس با بیان اینکه بزرگان فرمودند که اگر می توانید برای صفات بدتان، اینجا یک کاری بکنید. اینجا عالم، عالم گذر است، گفت: آدمی که در حال تغییر و تحول است می تواند به خوبی تغییر کند هر چقدر هم که بد است، می تواند تغییر کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی جاودان از اساتید اخلاق در حسینیه آیت الله حق شناس به بیان نکاتی درخصوص گناهان و چگونگی مبارزه با آنها پرداخت که متن کامل سخنان وی به شرح زیر است:

در راه شعری به ذهنم آمد که گشتم و پیدایش کردم. این شعر موعظه خوبی برای کسی است که چشم و گوشش باز باشد. می فرماید که «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت/ قطره باران ما گوهر یکدانه شد» قطره باران ما به برکت گریه ها [بر امام حسین(ع)] گوهر یکدانه شد. در زمان ما نمی دانم گریه ای وجود دارد یا نه؟ قدما که منطق درس می دادند، تعریفی از انسان می کردند که ما همه بلدیم. می گفتند «انسان حیوان ناطق است». حیوان یعنی موجود زنده. همه حیوانات هم جزو موجودات زنده محسوب می شوند. انسان هم جزو موجودات زنده است. البته تنها تفاوتش این است که این موجود زنده فکر می کند و می تواند فکر کند.

انسان ناطق با صفت گرگی و خوکی

آدم یک وقت فکرش را در اقتصاد به کار می برد، اقتصاددان می شود؛ در فیزیک به کار می برد، فیزیکدان می شود اما باز حیوان ناطق است. یک وقتی فکرش را در نقشه کشیدن برای مردم به کار می برد که چطور سر مردم گلاه بگذارد. گاهی از این (نابغه ها) از این دزد و دغل های ایرانی چیزهایی عجیب و باوذنکردنی نقل می کنند. آخه این همه فکر! تو که به این خوبی فکر می کنی، چرا در این کلک و حقه به کار بردی؟ فکرت را در گرگی به کار می ببری. یک وقت آدم فکرش را در شهوت پول، ریاست و... به کار می برد. این حیوان ناطق با صفت گرگی است. دیگری حیوان ناطق با صفت خوکی است و... این حیوان ناطق همه چیز می تواند باشد.

زنده بودن یک فضیلت است. آدم که زنده است قطعاً با سنگ فرق می کند. آدمی که فکر می کند با حیوانات فرق می کند. گرگ مثل ساختمانش عمل می کند. انسان فکر می کند و بمبی می سازد که شاید بتواند ده میلیون آدم را نابود کند. پس حیوان ناطق گرگ، خوک و... است.

آیا نماز و روزه به تنهایی کفایت می کند؟

این چیزها زحمت دارد ها. اگر حیوان ناطق است و تا فرشته شود، فرصت ندارد. ما همینطور بی هدف زندگی می کنیم. بفرمائید که چه کسی هست که اضافه بر زنگی معمولی، کاری بکند؟ خب! مردم کوچه و بازار ممکن است نماز نخوانند، ما نماز بخوانیم. نمی دانم عدد دقیقش چقدر باید باشد ولی مثلاً 60 درصد مردم ایران ممکن است روزه نگیرند و ما بگیریم. این مقدار زحمت کافی است؟ می گوئیم کافی نیست. این حداقل ممکن است. دیگر از این پایین ترش انسان می رود در شمار...

اگر آدم چیز بیشتری می خواهد باید بیستر کار بکند. آن شعوری که برای ما مقدر است، صدهزار برابر این شعوری است که الان داریم. عدد این نیست ولی خیلی بزرگ است. هم برای من و هم برای شما هیچ فرقی نمی کند. این برای همه مقدر است و آدم اگر کار بکند، می تواند به آن درجه از شعور برسد. در مرحله اول انسان به حیوان ناطقی که خصال فرشتگی را دارد تبدیل می شود.

ببینید من مثلاً به هیچ مناسبتی احساس حسادت نمی کنم؛ به هیچ مناسبتی. مثلاً یک همکلاسی دارم که شاگرد اول است و من شاگرد پنجمم. برای این مساله دلم یک کمی مالش می رود و اوقاتم تلخ می شود. اگر رفیقم برنده شد و من خوشحال شدم، این یک قدم به سوی انسانیت است. این می شود حیوان ناطقی که فرشته است. اگر اینگونه نباشد انسان می شود حیوان ناطقی که گرگ است. حیوان ناطقی که آدم خجالت می کشد بگوید.

خواب و خوراک را کم کن

برای اینکه آن خصال فرشتگی در انسان ایجاد شود، زحمت دارد. علاوه بر این زندگی عادی، زحمت لازم دارد. آدم یک مقداری باید خواب و خوراکش را کم کند. عرض می کنم حالا یک مقدار خواب و خوراکش لطمه می خورد، اما بهره اش خیلی است.

به انسانیت برسی، گوهر یکدانه عالم می شوی

شعر اول یادتان بیاید. «گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت/ قطره باران ما گوهر یکدانه شد» نه از این گوهر یکدانه ها. آدم وقتی به انسانیت برسد، در عالم گوهر یکدانه می شود. نمی توانم مثالش را بگویم ولی یک چیز خیلی دم دست عرض می کنم. بنده یک روزی دردی داشتم و می فهمیدم و نمی فهمیدم. رفتم خدمت حضرت عبدالعظیم(س). همانجا به آنی و در لحظه ورود

معالجه شد. این فرد چقدر می‌تواند بزرگ باشد که یک نفر را از نابودی نجات بدهد؟ دوستان می‌گفت عیبی پیدا کرده بودم که خودم هم از آن خجالت می‌کشیدم. رفتم خدمت عبدالعظیم (س) و دستم را در قفل‌های ضریح کردم، مشکلم برطرف شد. از آن وقتی که این بزرگوار اینجا دفن شده چند صدهزار تا از این مشکلات حل کرده؟ عدد نمی‌توانیم بگوییم. گوهر یکدانه اصلاً لفظ کوچک است. اگر آدم به تن زحمت بدهد...

راه برطرف کردن مشکلات اخلاقی

نکته! من الان بخیل یا حسودم و از این عیب‌ها دارم. من که بخیل و حسودم اگر همت کنم، حل می‌شود؛ بلکه همت کنی، حل می‌شود. حالا مثال بخل را می‌زنیم. مثلاً می‌خواهم دو زار به یک فقیر بدهم، جانم به لبم می‌رسد. خب بار اول جانت به لب می‌رسد، بار دوم، سوم و چهارم سهل‌تر می‌شود.

یک قوم و خویشی داشتیم که می‌گفت اولین خمسش یک ریال یا 5 ریال بود. آخرین بار هم مثلاً ده میلیون تومان خمس دادند. شاید اولین بار اگر بخوایم ده میلیون خمس بدهم، نمی‌توانم و امکان ندارد.

راه حل عیوب، ذره ذره کار کردن است

ولی اول که 5 تومان دادم، می‌شود. راه حل عیوب آدمی ذره‌ذره کار کردن است. به ذره‌ذره می‌شود مشکل را حل کرد. من اولین بار که می‌خواهم جان بدهم، خب جان دادن سخت است و نمی‌شود و نمی‌کنم و نمی‌روم راهی که نهایتش جان دادن است. اما اگر شروع کنیم، سرانجام انسان می‌تواند برسد به جایی که بتواند جان بدهد. شجاعتی یک جود بزرگ است. این جنبه خوبی‌اش بود. من مثلاً از دو ریال شروع می‌کنم تا وقتی به یک درجه از فضل و بخشش برسم که برایم سخت نباشد.

جوان سخاوتمند گنهکار محبوب‌تر از پیرعابد خسیس

فرمودند که جوان سخی گنهکار نزد خدا محبوب‌تر از پیر عابد دست بسته و خسیس است. سخاوت خیلی صفت خوبی است. یک وقت برایتان گفته بودم که حدیث بود که یک چیز خوب بیاورید و ما قبولتان می‌کنیم. یک چیز خوب باید خوب باشد. اهل سخاوت بودن خوب است. هیچ وقت بذل و بخشش برایش سخت نیست.

تکرار بدی، برای انسان صفت می‌شود

از آن طرف هم اگر آدم بدی را تکرار کند، آن بدی برایش صفت می‌شود. مثلاً یک نفر دروغ می‌گوید، دروغ گفت ولی یک کسی زیاد دروغ می‌گوید دروغ‌گوست. فرق کرد. امروز صبح من یک دروغ گفتم، می‌گویند دروغ گفت اما اگر هر روز دروغ می‌گویم، می‌گویند دروغ‌گو است. تکرار گناه و بدی تبدیل به صفت می‌شود.

در دنیا برای صفت بدتان کاری کنید

بزرگان فرمودند که اگر می‌توانید برای صفات بدتان، اینجا یک کاری بکنید. اینجا عالم، عالم گذر است. زمان است و می‌گذرد و خود انسان هم در حال تغییر و تحول است. آدمی که در حال تغییر و تحول است، می‌تواند به خوبی تغییر کند. هر چقدر هم که بد است، می‌تواند تغییر کند اما اگر برای آن طرف بماند، سخت می‌شود. من عرض می‌کنم و روی بحث زیاد نمی‌ایستم و فکر می‌کنم اینطور باشد که در برزخ دوره‌ای برای اصلاح مومن است. اگر اینجا اصلاح شود که بارک‌الله وگرنه در برزخ اصلاح می‌شود. اینکه اینجا می‌توانستی در عرض دو سال مبارزه با خودت، اصلاح شوی و این کار را نکردی، آن دنیا مثلاً سیصد هزار سال باید بگذرد تا بخلت را معالجه کنی. به نظرتان سخت نیست؟ سیصد هزار سال! برای تخمین اعداد را می‌گویم و الا من نمی‌دانم چطوری می‌شود.

عذاب برزخ و جهنم برای رفع بدی‌ها

در برزخ اگر بدی حل شد، حل شد وگرنه آدم به عالم آخرت منتقل می‌شود و باید جایی که او را می‌سوزانند برود تا معالجه‌اش کنند. ولی کسانی از اهل جهنم با آتش معالجه شوند، آنها را داخل یک نهی می‌اندازند تا پاک شوند و سوختگی‌ها برطرف شود و اینها را به بهشت می‌برند و آنجا می‌گویند اینها همانهایی هستند که سابقه دارند.

با بدی‌ها مبارزه کنی، پیروز می‌شوی

این عالم عالم تغییر و تحول است و امکان تحول سریع‌تر است. من چشمم را نمی‌توانم کنترل کنم، خب با این مبارزه کن. اگر مبارزه کنی خیلی وقت نخواهد گذشت که شما پیروز شوید.

ارزش عمل مخفی و آشکار

نگاه به نامحرم یا مثال بخل. اولین بار من به سختی و زحمت به چیزی می‌پردازم، خیلی هم به من سخت گذشت و دارم به آن فکر می‌کنم. نباید فکر کنی. مثلاً دو زار پول دادی در راه خدا. نباید آدم فکر کند. اگر خوبی‌ات یادت برود ممکن است قبول شود. اگر یادت برود ممکن است قبول شود. اگر محاسبه کنی که مثلاً من ده بار کربلا رفتم. وقتی محاسبه کردی، ممکن است بگویند بارک‌الله. یک بار که گفتم و عمل مخفی را آشکار کردی، ثواب 70 برابری را به یک برابری کاهش دادی. بار دوم بگویی آن یک برابر هم از بین می‌رود و بار سوم بگویی، ریاکار محسوب می‌شوی.

خیلی‌ها اصلاً فکر بدی‌هایشان نیستند

می‌گویند یک درجه از بدی وقتی است که ماهیت انسان عوض شد و گرگ شد دیگر. از حیوان ناطق بیرون آمد و گرگ شد او دیگر بخشش ندارد. اگر صفت بد داشته باشد و در دنیا با آن جنگیده، هنوز مرحله اول را از دست نداده است. اگر خودش جنگ را شروع کرده بود، این راحت‌تر است و اگر هم منتقل شد به آن دنیا راحت‌تر حل می‌شود تا فردی که فکر این حرف‌ها نیست.

خیلی‌ها هستند که اصلاً فکر این حرف‌ها نیستند و عیب‌ها و بدی‌هایشان را نمی‌بینند. من ده جور بدی دارم اقلاً غصه‌اش را می‌خورم و سعی می‌کنم با بدی خودم یک بار مخالف کنم. این خوب است و فرق می‌کند با اینکه من اصلاً خبر از بدی‌ام ندارم و آنها را بدی نمی‌دانم.

من با آدم‌هایی برخورد کردم. یک وقت خانومی از شوهرش یا شوهری از خانومش شکایت کرده و یک چیزی گفت که بنده خدا در بدی خودش می‌تازد و اصلاً فکر بدی‌اش را نمی‌کند که من بدی دارم. خدای نکرده نشود که یک وقت آدم عاقبت به شر از دنیا برود.

اگر به عیوبت آگاه باشی تکبر نمی‌ورزی

آدم یک ذره فکر خودش باشد. یک لحظاتی وقت داشته باشد. آدم اصلاً وقت ندارد. شما درستان وقت نمی‌گذارد و برای من کارهای دیگر نمی‌گذارد آدم درباره خودش وقت بگذارد و کمی خودش را وزن کند. اگر آدم کمی خودش را وزن کند، ممکن است به کمی از عیوب خودش برسد و آگاه شود. آدم اگر از عیوبش آگاه باشد، اینقدر تبختر و تکبر نمی‌کند و به خدا چیزی نمی‌فروشد و اقلاً شکسته حال است. با خودش خیالات نمی‌کند.

سلام بر حسین(ع) سرمایه است

السلام علی الحسین وعلی علی ابن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین. مکرر عرض کردیم که ما به امام حسین(ع) سلام دادیم، این سلام برای ما یک سرمایه است. این را کم نشمارید.